



دانشگاه تربیت معلم

دانشکده علوم تربیتی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع :

بررسی تحول اخلاقی نوجوانان بزهکار پسر و مقایسه آن

با نوجوانان عادی پسر

استاد راهنما :

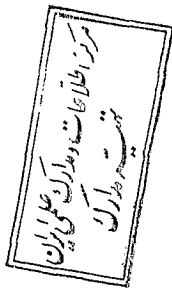
سرکار خانم دکتر پروین کدیور

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر محمد نقی براهنی

محقق :

اکبر رهنما



۲۶۴

تیرماه ۱۳۷۲

۱۷۱۷۹

بسمه تعالی
دانشگاه تربیت معلم
دانشکده علوم تربیتی

این پایان نامه تحت عنوان "بررسی تحول اخلاقی نوجوانان بزهکار پسر و مقایسه آن با نوجوانان عادی پسر" برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی تربیتی توسط برادر اکبر رهنما انجام یافته است و در جلسه مورخه ۱۶/۴/۱۳۷۲ در کمیته پایان نامه‌ها پس از دفاع مورد قبول واقع شده است.

استاد راهنما : دکتر پروین گدیور

استاد مشاور : دکتر محمد نقی براهنی . محمد حسینی

تشکر و قدر دانی

محقق بر خود لازم می‌داند که در آغاز این رساله امتنان و تشکر خویش را از سروران گرامی و اساتید معظم به‌ویژه سرکار خانم دکتر پروین کدیور که در دوران تحصیل در دانشگاه تهران و همچنین در دانشگاه تربیت معلم در انجام رساله حاضر همسواره راهنمائیهای ارزنده‌ای فرموده و با صبر و بردباری زایدالوصفی اشکالات و نواقص این پایان نامه را برطرف نمودند، به عمل آورد. همچنین تشکر و قدر دانی می‌شود از جناب آقای دکتر محمد نقی براهنی که از آغاز تهیه و طرح این رساله تا پایان آن بزرگوارانه با ارشاد و راهنمائی‌های خود بنده را یاری فرمودند. و نیز لازم است از جناب آقای دکتر عزت ... نادری ریاست محترم دانشکده علوم تربیتی و جناب آقای دکتر ولی ... فرزاد مدیر گروه روانشناسی دانشگاه تربیت معلم کمال تشکر و امتنان به عمل آید.

تقدیم به :

پدر عزیز و مادر مهربانم که در طول تحصیل همواره مشوق و معین من بوده‌اند .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	۱- چکیده تحقیق
۴	۲- مقدمه
	۳- فصل يك
۶	الف : ضرورت و اهمیت موضوع
۸	ب : هدف کلی تحقیق
۸	ج : اهداف یا فرضهای ویژه تحقیق
	۴- فصل دوم
۱۱	الف : دیدگاههای فلسفی در رشد و تحول اخلاقی
۱۸	ب : پیشینه مطالعاتی تحول اخلاقی
۴۰	ج : تحقیقات و پژوهشهای اخیر در زمینه تحول اخلاقی
۵۵	د : تحقیقات در ایران
۵۸	ه : بزهکاری : پیشینه مطالعاتی و پژوهشها
۶۱	- نظرگاه زیست شناختی : مروری بر پژوهشها
۶۸	- نظرگاه جامعه شناختی : در رهگذر پژوهشها
	- پژوهشها و مطالعات روانشناختی در برخورد با بزهکاری (
۹۷	۵- فصل سوم (روش اجرای تحقیق)
۹۷	- جامعه آماری
۹۷	- چگونگی انتخاب آزمودنیها و جمع آوری اطلاعات
۹۸	- گروه نمونه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹۹	- ابزار اندازه‌گیری
۱۰۰	- روش تحقیق
۱۰۱	- چگونگی اجرای آزمونها
۱۰۲	- نحوه نمره گذاری آزمونها
۶- فصل چهارم	
۱۰۴	- نتایج
۱۰۵	- طرح آماری
۱۰۵	- نتایج آماری
۱۰۶	- آزمون "t" برای مقایسه میانگینها
۱۰۸	- تحلیل واریانس میانگین سه گروه از بزهکاران
۱۰۹	- مقایسه سطوح و درصدهای رشد اخلاق در دو گروه
۷- فصل پنجم	
۱۱۳	- نتیجه‌گیری و بیان پیشنهادات
۱۲۰	- محدودیت های تحقیق
۱۲۱	- پیشنهادات
۱۲۲	- منابع فارسی
۱۲۴	- منابع انگلیسی
ضمائم	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۲۸	ب : نمونه‌هایی از پاسخ‌های بزهکاران و غیربزهکاران به داستانهای تحول اخلاقی
۱۲۵	ج : نمرات تحول اخلاقی دوگروه
۱۳۷	د : کلید تصحیح و نمره گذاری داستانهای تحول اخلاقی کلبرگ

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رشد و تحول اخلاقی در بین نوجوانان بزهکار و مقایسه آن با رشد و تحول اخلاقی نوجوانان عادی (غیر بزهکار) است .

در این پژوهش متغیرهای سن و جنسیت کنترل شده است . آزمودنیهای پژوهش حاضر از بین نوجوانان (۱۴) ، (۱۵) ، (۱۶) ساله پسر انتخاب شده اند . تعداد آزمودنیهای پژوهش حاضر ۶۰ نفر بودند (۳۰ نفر بزهکار پسر و ۳۰ نفر غیر بزهکار پسر) .

پژوهش حاضر برای دستیابی به اهداف زیر انجام گرفت :

۱- اندازه گیری سطح و کیفیت رشد و تحول قضاوت اخلاقی در بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار ایرانی .

۲- بررسی قضاوت اخلاقی در بین نوجوانان بزهکار و مقایسه آنان با نوجوانان عادی .

۳- بررسی مقایسه ای قضاوت اخلاقی در بین نوجوانان بزهکار سابقه دار و بزهکاران بدون سابقه ارتکاب اعمال بزهکارانه .

۴- بررسی رابطه بین سطح و کیفیت قضاوت اخلاقی با نوع " بزه " ارتکابی توسط نوجوانان که در این پژوهش سه نوع بزه (سرقت ، ضرب و جرح و جرائم جنسی و تجاوز به عنف) در این زمینه بایکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته اند .

فرضیه اصلی و فرضیه های ویژه پژوهش حاضر به قرار زیر است :

۱- نوجوانان بزهکار نسبت به نوجوانان غیر بزهکار از لحاظ رشد و تحول قضاوت اخلاقی در سطوح پایین تر و متفاوت تری قرار دارند .

۲- نوجوانان بزهکار سابقه دار نسبت به نوجوانان بزهکاری که برای اولین بار گرفتار شده اند صداقت کمتری در پاسخ دادن به داستانهای تحول اخلاقی دارند .

بنابراین خود را در قضاوت‌های اخلاقی بهتر جلوه داده و نمرات بالاتری می‌گیرند .

۳- بین نمرات تحول اخلاقی سه گروه از پژوهکاران (سرقت ، ضرب و جرح و تجاوز به عنف)

تفاوت وجود دارد .

ابزار پژوهش حاضر عبارتند از: " آزمون سنجش تفکر انتزاعی " پیاژه (شناوری اجسام) و

آزمون اخلاقی کلببرگ که شامل ۵ داستان مستقل است .

روش بکار رفته در این پژوهش، روش بالینی پیاژه و کلببرگ است ، بدینصورت که ضمن

اجرای آزمون تفکر انتزاعی پیاژه روش مصاحبه بالینی جهت پی بردن به عمق تفکر آزمودنی‌ها

اجرا شد. در اجرای آزمون اخلاقی کلببرگ نیز با استفاده از روش بالینی کلببرگ سعی شد با

سئوالات باز و هدایت شده به زوایای فکر آزمودنی در پاسخ به داستانهای اخلاقی پی برده شود. در این

پژوهش فقط به آزمودنی‌هایی داستانهای تحول اخلاقی ارائه داده شد که قبلاً " با آزمون سنجش

تفکر انتزاعی تفکر انتزاعی رسیده بودند .

پس از اجرای آزمون تحول اخلاقی، پاسخهای آزمودنیها بر طبق روش خاص و با استفاده از کلید

تصحیحی که کلببرگ و رست ارائه داده‌اند تصحیح و نمره‌گذاری شد و سپس با استفاده از مدل آماری

" t " استودنت و تحلیل واریانس یک متغیری میانگین‌های به دست آمده جهت روشن شدن

معنی دار و یا غیر معنی دار بودنشان با یکدیگر مقایسه شدند .

نتیجه گیری آماری به شرح زیر است :

۱- میانگین نمرات نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان عادی با سطح اطمینان ۹۹ درصد

معنی دار بود .

۲- میانگین نمرات تحول اخلاقی بزهکاران با سابقه در مقایسه با بزهکاران بدون سابقه

ارتکاب اعمال بزهکارانه با سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بود .

۳- تحلیل واریانس یک متغیری مربوط به میانگین سه گروه از بزه‌کاران (سرقت، ضرب و

جرح و تجاوز به عنف) معنی‌دار نبود .

" بررسی تحول اخلاقی نوجوانان بزهکار و مقایسه آن با نوجوانان عادی "

مقدمه

بزهکاری کودکان و نوجوانان از جمله موضوعات پیچیده و مشکل و درعین حال جالب در روانشناسی و سایر رشته‌های مرتبط با آن می‌باشد. مساله بررسی علمی بزهکاری سالهاست مورد توجه قرار گرفته و متخصصان و دانشمندان رشته‌های مختلف علوم به خصوص روانشناسان، روان‌پزشکان، جامعه‌شناسان، حقوقدانان و مربیان هریک از دریچه‌ای به بررسی این مسئله همست گمارده‌اند. البته ذکر این نکته ضروری است که بزهکاری کودکان و نوجوانان در جوامع انسانی مسئله جدیدی نیست و این پدیده از آغاز تاریخ مکتوب بشر پدیده آشنائی بوده و رد پای آن در گذشته‌های بسیار دور نیز مشهود است. (آیزنک، ترجمه براهنی ۱۳۶۵).

امروزه بزهکاری به عنوان مشکل و مسئله اساسی عصر کنونی در آمده‌است بصورتیکه در گزارشهای پژوهشگران متعددی مورد تاکید قرار گرفته است، از جمله امپی (۱۹۷۸) طی تحقیقی در امریکا اعلام کردند نسبت نوجوانانی که طی سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۵ در دادگاههای مختلف نوجوانان ظاهر شده‌اند به طرز وحشتناک و ثابتی بالا رفته و به حدود دو برابر رسیده است. (نلسون وایزرائیل، ترجمه منشی طوسی، ۱۳۶۷).

در ایران مطابق آمارهای موجود در سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، درصد بزهکاران ارجاع شده به کانون اصلاح و تربیت تهران در سال ۱۳۶۳ نسبت به سال ۱۳۵۸ ۳۹/۹٪ افزایش نشان می‌دهد، این نسبت در سال ۱۳۶۳، ۷/۶٪ بوده‌است (مظاهری، ۱۳۷۰).

بحث درخصوص شناخت و تبیین ابعاد مختلف بزهکاری کودکان و نوجوانان گستره وسیعی از عوامل مختلف زیست شناختی، جامعه‌شناختی و روانشناختی را شامل می‌شود و این امر که خود ناشی از ماهیت چند بعدی انسان است، ضمن تاکید بر تفکیک ناپذیری این ابعاد از یکدیگر

نشان می‌دهد که برای بزهکاری علت واحدی وجود ندارد و حتی هیچیک از ابعاد انسانی رانمی‌توان به تنهایی موجد آن دانست. بلکه بزهکاری حاصل علل در هم تنیده شده‌ای است که در زندگی کودک وجود داشته و بروی تاثیر گذاشته اند و همچنین بر لزوم مشارکت متخصصان، دانشمندان و پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم در چارچوب تحقیقات بین‌رشته‌ای به‌وضوح تصریح و تاکید می‌کند. (منصور، ۱۳۶۷).

یکی از ابعاد و ویژگی‌های بزهکاران توجه به تحول اخلاقی آنان می‌باشد تا اینکه وضعیت تحول اخلاقی آنان نسبت به غیربزهکاران مشخص شود و تفاوت‌های این دو گروه در این زمینه معلوم گردد.

از طرف دیگر یکی از جنبه‌های بسیار مهم "روانشناسی کودک" تحول اخلاقی است، تحول اخلاقی همواره به عنوان یکی از کنش‌های عالی تحول شناختی مورد توجه پژوهشگران و نظریه پردازان قرار گرفته است (حاج اسماعیلی، ۱۳۷۰).

تحقیقات پیاژه در مورد "قضاوت اخلاقی در کودک"، اولین بار در سال ۱۹۳۲ انتشار یافت. یافته‌های پیاژه در این زمینه حاکی از آن است که فرایند تحول اخلاقی در طول یک ردیف "ساخت‌های شناختی" شکل می‌یابد که هر مرحله، شکل، طرح و ساخت مشخص خود را دارا می‌باشد. (پیاژه، ۱۹۳۲).

لارنس کلبرگ (۱۹۵۸) حدود ۳۰ سال بعد از اینکه پیاژه تحقیقاتش را در مورد رشد و تحول اخلاقی منتشر کرد، تحقیقات خود را در زمینه تحول اخلاقی طبق سنت پیاژه دنبال کرد و گسترش داد. (حاج اسماعیلی، ۱۳۷۰).

فصل اول

الف: ضرورت و اهمیت موضوع :

در ایران ضرورت انجام تحقیقات مفصل و دامنه‌دار در زمینه بزهکاری از دو منبع عمده تغذیه می‌شود: از یک سو نیاز به پژوهش و تحقیق در این زمینه بسیار مهم از مسائل روانی-اجتماعی کاملاً "مشهوداست" زیرا بدیهی است که لازمه برخورد صحیح با هر مسئله‌ای دارابودن شناخت کافی و تصویری روشن از آن مسئله است و فراهم نمودن زمینه‌های چنین شناختی بر عهده پژوهشگران و محققان زمینه‌های مختلف است.

از سوی دیگر بافت اجتماعی کشور ما، از نظر ترکیب سنی بسیار جوان است و براساس آخرین آمارهای موجود در سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵ از مجموع جمعیت پنجاه میلیونی کشور، ۲۷ ۹۰۰ ۰۰۰ نفر (یعنی ۵۵/۸٪ کل جمعیت کشور) در سنین ۱۹ سالگی و پایین تر از آن قرار دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷). با توجه به این مسئله اهمیت پرداختن به امر بزهکاری کودکان و نوجوانان و لزوم در پیش گرفتن اقداماتی جدی و اصولی در شناخت این علل و عوامل به منزله اساسی ترین روش مبارزه با بزهکاری کودکان و نوجوانان آشکارا محسوس است (نقل از مظاهری، ۱۳۷۰).

به علاوه مشخص گردید که "تحول اخلاقی" جدا از "تحول شناختی" کودک نیست و بر طبق تحقیقات جهانشمول پیاژه و بدنبال آن کلبرگ تحول اخلاقی نیز به مانند تحول شناختی از یک ردیف ساختهای شناختی که به دنبال هم می‌آیند تشکیل می‌شود. با توجه به این مهم می‌بینیم که اگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت جامعه اگر بخواهند به "رشد اخلاقی" نونهالان و کودکان و نوجوانان همت گمارند در درجه اول می‌بایستی سطح رشد شناختی این گروه را مشخص کنند و در یابند که افراد این گروه اولاً "در چه سطحی از رشد شناختی قرار دارند و ثانیاً آیا تمام شرایط آن

سطح از رشد شناختی را دارا می‌باشند یا خیر. معنی این گفته در این است که والدین، معلمان و زعمای تعلیم و تربیت و دست‌اندرکاران کودکان و نوجوانان بزهکار که در جهت اصلاح و تربیت این افراد قدم برمی‌دارند می‌بایستی آموزشهای اخلاقی خود را با میزان رشد شناختی کودکان و نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار هماهنگ نمایند و تاخیرهای احتمالی آنها را در رشد و تحوّل اخلاقی همواره در نظر داشته باشند.

از طرف دیگر چنانچه در پژوهش حاضر مشخص شود که بزهکاران در سطوح پایین‌تر و متفاوت‌تر قضاوت اخلاقی قرار دارند. می‌توان نتیجه گرفت که یکی از عوامل ایجادکننده چنین قضاوتی این است که چنین افرادی به سطوح بالاتر شناختی نرسیده‌اند و به تبع آن در سطوح پایین‌تر تحول اخلاقی قرار دارند و بنابراین اقدامات تامینی و تربیتی و آموزشی این افراد را با توجه به سطح رشد شناختی‌شان باید تنظیم و اجرا نمود تا اینکه بهترین نتیجه را در برداشته باشد.

مورد دیگری که نیاز به پژوهش حاضر و اهمیت آن را روشن می‌کند این است که آیا سطوح پایین‌تر و متفاوت‌تر قضاوت اخلاقی می‌تواند یکی از عوامل موثر در ایجاد رفتار بزهکارانه باشد یا خیر. در این ارتباط مسئله هنوز بخوبی روشن نیست و چنانکه ذکر شد تحقیقات در این زمینه تا حدی متناقض می‌باشند و دلیل این عدم وضوح شاید به این علت باشد که بزهکاری یک پدیده بخرنج و پیچیده‌ای است که در ایجاد آن عوامل روانی، عاطفی و اجتماعی فراوانی دخالت دارند و این پدیده را نمی‌توان به یک عامل نسبت داد.

در حوزه مسائل روانشناسی تحولی و به ویژه در بعد اخلاقی رشد و تحول اگر چنانچه مشخص گردد که بزهکاران نسبت به غیر بزهکاران در سطوح متفاوت‌تر تحول اخلاقی قرار دارند، از لابلای این تحقیق می‌توان به نقایص تحول اخلاقی بزهکاران پی‌برده یعنی ضعف‌ها و اشکالات استدلال اخلاقی بزهکاران مشخص می‌شود و این به نوبه خود در زمینه رهنمودهای تربیتی و آموزشی تمرکز